

سرمایه اجتماعی و رقابت پذیری در نظام بین الملل

محمدعلی شیرخانی^۱

استاد گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمود خلف رضایی

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۸ - تاریخ تصویب: ۹۳/۱۱/۲۰)

چکیده

سرمایه اجتماعی همانند سرمایه‌های مادی از اهمیت بسزایی برخوردار است و نظریه پردازان درباره تأثیر آن بر رشد کشورها، قلم‌فرسایی کرده‌اند. موفقیت در عرصه بین‌المللی بدون توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌های هر کشور، میسر نمی‌شود. این قابلیت‌ها و توانمندی‌ها در اقتصاد بین‌الملل به ظرفیت رقابت‌پذیری تعبیر می‌شود. شاخص‌های دوازده‌گانه‌ای برای رقابت‌پذیری احصا شده که دارای ابعاد مختلفی است. در این پژوهش، به دلیل گستردگی موضوع رقابت‌پذیری، تنها چهار شاخص اصلی آن، تحقیق شده و تأثیر سرمایه اجتماعی بر رقابت‌پذیری بررسی شده است. پرسش اصلی پژوهش، آن است که «آیا بین سرمایه اجتماعی و توسعه شاخص‌های رقابت‌پذیری بین‌المللی رابطه معناداری وجود دارد؟». گردآوری داده‌ها و مطالعه مبانی نظری به الگوسازی و سازماندهی تحقیق منجر شده و همچنین، روش تحقیق به شکل کمی، بر مبنای روش آزمون تی و آزمون فرضیات بوده است. تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رقابت‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی

اعتماد، اقتصاد بین‌الملل، بازار مالی، زیرساخت، شبکه اجتماعی، هنجار

مقدمه

از بدو تولد پدیده دولت-ملت، یعنی پس از جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در اروپا و به موجب معاهدات معروف به صلح وستفالی منعقد در اوسنابروک و مونستر، نظام بین‌الملل همواره شاهد رقابت دولت-ملت‌ها بوده و به دلیل فقدان قاعده‌مندی در عرصه رقابت‌های سیاسی و نظامی، شاهد منازعات بی‌شماری بوده است. با گسترش دانش بشری، گذر از تجربه‌های تلخ جنگ‌های خونین و ایجاد رژیم‌های حقوقی بین‌المللی، روابط بین‌الدول تا حدی نظام‌مند شد و رقابت‌ها از دایره تنگ مبتنی بر آنارشیک پنداشتن ساختار و ماهیت بین‌الملل، خارج شد. رفته‌رفته کشورها سعی کردند سیاست‌های معطوف به حفظ، افزایش و نمایش قدرت خود را با اتکا به افزایش توانمندی‌های خود سامان بخشیده، با بهره‌گیری از مزیت‌ها، حوزه نفوذ خود در مناطق مختلف جهان را برپایه منافع ملی، گسترش داده، رفاه و امنیت بیشتری را برای خود رقم بزنند. بدیهی است هر دولت-ملت از مقدار مشخص و البته ارتقایافتنی از توانمندی برای عرض اندام در رقابت‌های بین‌المللی برخوردار است. هرچه یک دولت-ملت از ظرفیت رقابت‌پذیری بیشتری در نظام بین‌الملل برخوردار باشد، به همان مقدار نیز منافع ملی وی متضمن نتیجه‌های رضایت‌بخش‌تری خواهد بود. رقابت‌پذیری به‌زعم نظریه‌پردازان اقتصاد بین‌الملل، سوخت موتور توسعه هر کشور به‌شمار می‌آید (Harrison, 1999).

آدام اسمیت در کتاب مشهور خود، ثروت ملل، به مفهومی با عنوان «مزیت مطلق» اشاره کرده است و هم‌اکنون شاهد آنیم که دولت‌ها براساس همین مفهوم و نیز مزیت نسبی دیوید ریکاردو، زیرساخت‌های رقابت‌پذیری لازم برای رقابت با دیگر دولت‌ها را فراهم می‌آورند. رقابت‌پذیری مفهومی است که اقتصاددانان بر آن به‌مثابه مؤلفه‌ای برای توسعه کشورها و همچنین، اصلی تضمین‌بخش برای بقای متنفذ در نظام بین‌الملل صحنه می‌گذارند. این مفهوم از پیشرفتگی شگرفی در متون اقتصاد سیاسی بین‌الملل برخوردار است و پژوهشگران درباره مفهوم ماهوی، کارویژه‌ها، شاخص‌ها و حتی مقدار سنجش آن در سطح ملی و بین‌المللی پژوهش کرده‌اند. برای نمونه، مجمع جهانی اقتصاد در سال ۱۳۹۱ در گزارشی با عنوان «رقابت‌پذیری جهانی ۱۳۹۱» دوازده رکن بنیادین برای رقابت‌پذیری را برشمرد و بر همین مبنا، ظرفیت رقابت‌پذیری کشورها را به مقایسه گذاشت. رقابت‌پذیری هر کشور در عرصه نظام بین‌الملل، قابلیت و توانمندی‌سازی^۱ است که از منابع متعدد طبیعی و اکتسابی موجود در هر دولت-ملت سرچشمه گرفته است. از سویی، سرمایه اجتماعی نیز از جمله مفهوم‌های جدیدی

۱. توانمندی‌سازی خود به‌مثابه رهیافتی برای توسعه ملی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته در مراکز پژوهشی وابسته به سازمان ملل متحد، از دهه ۱۹۸۰ مطرح و از ادبیاتی شایان توجه برخوردار است. این رهیافت، انسان را مرکز توجه و عامل اجرای تغییرات اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد (شیرخانی، ۱۳۷۵).

است که نظریه‌پردازان از آن به‌مثابه مؤلفه مهمی در ارتقای جایگاه کشورها یاد می‌کنند؛ این مؤلفه قدرت‌بخش، از تعاملات بین افراد هر جامعه پدید می‌آید و ممکن است بر بسیاری از مناسبات هر کشور تأثیر داشته باشد^۱ (شیرخانی، ۱۳۹۱). در این پژوهش، سعی خواهد شد تا مفاهیم رقابت‌پذیری و سرمایه اجتماعی بررسی شود و درنهایت، بر این پرسش اصلی متمرکز شد که «آیا رابطه معناداری بین سرمایه اجتماعی و رقابت‌پذیری کشورها در عرصه بین‌الملل وجود دارد؟»؛ به‌عبارت دیگر «آیا می‌توان سرمایه اجتماعی را مؤلفه‌ای اثرگذار بر ارتقای رقابت‌پذیری هر کشور دانست؟». پژوهش پیش رو، پس از مروری بر سابقه و مبانی نظری و مفهومی سرمایه اجتماعی و همچنین رقابت‌پذیری، به تبیین شاخص‌های هرکدام و جایگاه سرمایه اجتماعی در رقابت‌پذیری و در نتیجه، برآیند آن در قدرت ملی می‌پردازد. مبحث پایانی این پژوهش، به‌دست دادن یک الگو، چارچوب مفهومی و تحلیل آماری با استفاده از روش‌های مقداری را از تأثیرها و تأثیرهای سرمایه اجتماعی و رقابت‌پذیری، در هسته مرکزی تمرکز خود دارد.

الف) سرمایه اجتماعی

۱. مفهوم سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی همانند بسیاری از واژگان موجود در ادبیات علوم انسانی، تعریف واحدی ندارد که محل اجماع همگان باشد. این اصطلاح، نزدیک به دو سده استفاده شد؛ اما در دهه نود میلادی، به‌صورت گسترده در کانون توجه محافل دانشگاهی و حوزه سیاستگذاری قرار گرفت (شیرخانی و واسعی‌زاده، ۱۳۹۱). رابرت پوتنام که یکی از نظریه‌پردازان اصلی این مفهوم است، در کتاب *سقوط و بقای جامعه آمریکا*، اعتبار خلق این واژه را به هانیفون نسبت می‌دهد و او را نخستین کاربر آن می‌داند. هانیفون در مقاله خود، به‌درستی بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فیزیکی تفکیک قائل شده، در توضیح سرمایه اجتماعی بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی، دارایی‌های شخصی افراد نیست، بلکه منظور حسن نیت، مردانگی، همدردی‌های متقابل و تعاملات اجتماعی بین افراد و خانواده‌های هر واحد اجتماعی است. چنانچه روابط بین افراد جامعه براساس این مؤلفه‌ها شکل گیرد، نوعی انباشتگی به‌وجود می‌آورد که به رفع نیازها و رضایت‌مندی اجتماعی افراد منجر می‌شود و درنهایت، به بهبود شرایط زندگی و رفاه اجتماعی کل جامعه می‌انجامد (Hanifan, 1916).

نظریه سرمایه اجتماعی را به‌شکل علمی، عمدتاً پوتنام، کلمن و فروم‌بولد گسترش و تکامل

۱. مرور ادبیات توانمندسازی و سرمایه اجتماعی از این برداشت حمایت می‌کند که تصور رابطه‌ای مثبت، اما نه لزوماً خطی، بین این دو منطقی است و بنابراین، رشد باید مقوم دیگری باشد (شیرخانی، ۱۳۹۲).

داده‌اند. پوتنام بر این عقیده است که سرمایه اجتماعی همکاری و روابط متقابل بین افراد در هر جامعه را تسهیل می‌کند و در نتیجه، ابزاری برای مبارزه با بسیاری از بی‌نظمی‌های اجتماعی در جوامع به‌شمار می‌آید. وی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفهوم‌هایی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که به تأسیس روابط و مشارکت بهینه اعضای هر اجتماع منجر می‌شود و در نتیجه آن، منافع اجتماعی متقابل آنها تأمین می‌شود. اعتماد و ارتباط متقابل جایگاه کلیدی در مفهوم‌هایی دارد که پوتنام بیان کرده است و در کنش‌های متقابل اعضا وجود دارد. پوتنام همچنین سرمایه اجتماعی را ارزش جمعی بین شبکه‌های اجتماعی و تمایلات ناشی از آن برای انجام دادن کارهای گروهی می‌داند. وی سرمایه اجتماعی را از اجزای کلیدی ساخت و حفظ دموکراسی به‌شمار می‌آورد (Putnam, 1995). همان‌گونه که از تعریفی که پوتنام بیان کرده است، دریافت می‌شود، تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد است و به‌عقیده او اعتماد مؤلفه‌ای است که روابط شهروندان با شهریان را تبیین می‌کند؛ از این‌رو، وی اعتماد را از منابع ارزشمند ساخت سرمایه اجتماعی برشمرده است.

کلمن از دیگر نویسندگانی است که به مقوله سرمایه اجتماعی پرداخته است. کلمن روایتی کارکردگرایانه از سرمایه اجتماعی دارد و با تمرکز بر جایگاه و کارکرد به تبیین آن پرداخته است. به‌عقیده وی، سرمایه اجتماعی نوعی ارزش از ساختار اجتماعی است که به‌مثابه منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا اهداف و منابع خود را به‌دست آورند؛ از همین‌رو، سرمایه اجتماعی از ناحیه حضور، عضویت و مشارکت فرد می‌شود (Coleman, 1990).

فرومبولد نیز همانند پوتنام بر مؤلفه اعتماد به‌مثابه یکی از خروجی‌های اصلی تولید و انباشت سرمایه اجتماعی تأکید دارد. ایسربیت فرومبولد معتقد است هدف اصلی سرمایه اجتماعی، حفظ مؤلفه‌های ثبات و اعتماد در یک محیط متغیر است. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، منابعی را در جامعه تزریق می‌کند که یکی از برون‌دادهای اصلی آن، ایجاد ثبات در محیط‌زیست اجتماعی هر دولت-ملت است (Frombold, 2002). فرانسیس فوکویاما از اندیشمندان متأخر و معاصر علوم سیاسی نیز به‌دلیل اهمیت سرمایه اجتماعی نتوانسته به آن بی‌تفاوت باشد و به این مفهوم پرداخته است؛ وی در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه» ضمن تأکید بر این نکته که نقطه ضعف سرمایه اجتماعی عدم توافق عمومی بر مفهوم آن است، تعریف خود را به‌دست داده است. وی سرمایه اجتماعی را هنجارها یا ارزش‌های مشترکی می‌داند که همکاری اجتماعی را ارتقا بخشیده، روابط اجتماعی-فرهنگی را منسجم می‌سازد (Fukuyama, 2002).

در این نوشتار، به تعریفی که سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ به دست داده است، به چند دلیل استناد می‌شود: نخست، این تعریف را سازمانی شناخته شده که از انتشاراتی معتبر برخوردار است، تدوین کرده است؛ دوم، در سطح بین الملل به این تعریف به شکل گسترده‌ای استناد شده است؛ افزون بر آن، هم از حیث مفهومی و هم از حیث چارچوب‌های سنجشی، قابلیت بهره‌برداری دارد. این سازمان در گزارشی با عنوان «سلامت ملل: نقش سرمایه انسانی و اجتماعی» سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف کرده است: «شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و تفاهم‌هایی که همکاری بین گروه‌های اجتماعی را تسهیل می‌سازد» (OECD, 2001). این تعریف به درستی سرمایه‌های کلایی، مالی و انسانی و همچنین، ترتیبات رسمی حقوقی، سازمانی و سیاسی را از شمول سرمایه اجتماعی خارج نگه می‌دارد؛ در نتیجه سرمایه اجتماعی را می‌توان به مثابه تارهای عنکبوتی نامرئی متشکل از هنجارها، ارزش‌ها و فهم‌های مشترک دانست که کمیت و کیفیت روابط بین اعضای هر جامعه را در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی شکل داده، همانند تسهیل‌کننده‌ای موجبات دستیابی به اهداف فردی و جمعی شهروندان هر اجتماع را ممکن می‌سازد. در سطح کلان، مختصات ویژه سرمایه اجتماعی هر ملت، به خوبی گویا و منعکس‌کننده مقدار همکاری و انسجام ملی در هر دولت-ملت است (شیرخانی، ۱۳۹۲).

۲. مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی

پژوهشگران سرمایه اجتماعی را از جنبه‌ها و زاویه‌های مختلفی بررسی و در آن تدقیق کرده‌اند و کارکردهای آن در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حتی سلامت روانی افراد مطرح نظر آنان بوده است. نویسندگان بر مؤلفه‌های بسیاری برای سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند؛ با وجود این، عنصر اعتماد بیشترین تواتر در آثار نویسندگان این مقوله را دارد. بدون شک، اعتماد در قلب و مرکز سرمایه اجتماعی قرار دارد. اعتماد مؤثرترین مؤلفه در ایجاد همدلی و مشارکت عمومی، تعاملات همه‌جانبه اجتماعی و خمیرمایه اصلی پیونددهنده مردم در سطح اجتماع و حلقه اتصال شهروندان و حاکمان در سطح سیاسی است (شیرخانی، ۱۳۹۰). نیوتن نیز بر کارکردهای مختلف اعتماد اجتماعی در عرصه‌های مختلف تأکید کرده، معتقد است که اعتماد اجتماعی بر رشد تجارت در دو سطح داخلی و بین‌المللی، افزایش بازده رونق اقتصادی، ارتقای سود فردی و عمومی، ایجاد انسجام اجتماعی و همکاری، هماهنگی، رضایت‌مندی از کمیت و کیفیت زندگی، ثبات سیاسی و توسعه، حتی سلامت روان و افزایش امید به زندگی اثرگذار است (Newton, 2002). از همین رو، اعتماد اجتماعی، بخش انکارناپذیر و

1. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

از اجزای اصلی سرمایه‌های اجتماعی هر دولت-ملت به‌شمار می‌آید و عموماً آن را یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند؛ حتی برخی از پژوهشگران قائل‌اند که در برخی از مواقع، بهترین یا شاید تنهاترین شاخص در دسترس برای سنجش سرمایه اجتماعی در هر واحد اجتماعی، اعتماد است (Deihey, 2002). تأمل‌ها و پژوهش‌های بسیاری در حوزه اعتماد، منابع درون‌ریز در پیدایش اعتماد در جامعه، چگونگی توسعه اعتماد و تعمیق به آن، عوامل تخریب و تنزل اعتماد وجود دارد که مطرح نظر این پژوهش نیست. در این بخش، هدف آن است که اعتماد، یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی شمرده و بر اهمیت آن در تولید و انباشت سرمایه اجتماعی تأکید شود. به‌منظور بررسی سرمایه اجتماعی و تأثیرهای آن بر ظرفیت رقابت‌پذیری هر کشور، ضروری است شاخص‌های آن تعیین و سپس در روابط منطقی بین آنها تدقیق شود. از همین‌رو، در ادامه مؤلفه‌هایی برشمرده می‌شود که اداره آمارهای ملی بریتانیا در زمینه سرمایه اجتماعی برشمرده است. این نهاد شاخص‌هایی همچون مشارکت مدنی، شبکه‌های اجتماعی و پشتیبانی، مشارکت اجتماعی، تبادل متقابل منافع و اعتماد و اخلاقیات و ارزش‌ها اشاره داشته است (ONS, 2011). به‌دلیل اهمیت اعتماد، به این مفهوم پیش‌تر پرداخته شد و در ادامه به تبیین دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود.

مشارکت مدنی: به مقدار ورود و درگیری فرد در مناسبات و فعالیت‌های محلی و ملی و همچنین، به برداشت‌های فرد از توانایی خود برای اثرگذاری بر آنها اطلاق می‌شود. فهم فرد از قابلیت‌هایش برای ایجاد تغییر در مناسبات اجتماعی، سطح اطلاع و تمایل به کسب اطلاع از تحولات ملی، ارتباط‌گیری با نمایندگان سیاسی، تعامل با گروه‌های اجتماعی و رغبت به مشارکت در انتخابات محلی و ملی، همگی از مشارکت مدنی به‌شمار می‌آیند.

شبکه‌های اجتماعی: به کمیت، کیفیت و گونه‌های مختلف تبادلات و تعاملات بین مردم در چارچوب شبکه‌ها و همچنین، هویت‌های مشترکی اطلاق می‌شود که به این وسیله، خلق شده، عمق می‌یابد. این شبکه‌ها بر مقدار حمایت و پشتیبانی‌های اجتماعی که فرد از ناحیه خانواده، دوستان و جامعه دریافت می‌دارد، اثر گذاشته، مفهوم رضایت‌مندی فرد از خود و جامعه محل زیستش را تا حدود زیادی تعریف می‌کند. عده دوستان و کیفیت روابط با آنها، یاری‌رسانی داوطلبانه به هم‌نوع و اندازه رضایت‌مندی از کنترل فرد بر زندگی‌اش، همگی مصادیقی است که در چارچوب این شبکه‌ها شکل می‌یابد (شیرخانی، ۱۳۹۲).

مشارکت اجتماعی: به درگیری و ورود داوطلبانه فرد به گروه‌های سازمان‌یافته اجتماعی اطلاق می‌شود؛ به‌دیگر سخن، مشارکت اجتماعی به تمایل و رغبت فرد برای حضور در کلوب‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، مکان‌های مذهبی و خیریه‌ای و غیره گفته می‌شود که صرف

نظر از منافع شخصی، نوعی خیر عمومی در آن متصور باشد. بر غیراجباری و غیررسمی بودن این فعالیت‌ها که از خصلتی داوطلبانه برخوردار است، تأکید شده است. در آثار موجود، به مصداق‌هایی همچون تعداد گروه‌های اجتماعی، علمی، خیریه و حتی تفریحی که هر فرد در آنها عضویت دارد، کیفیت حضور و شدت مشارکت و حتی فعالیت‌های مذهبی اشاره شده است. همان‌گونه که از تعریف‌ها و مصداق‌ها برمی‌آید، مشارکت مدنی بر وجه رسمی و مشارکت اجتماعی بر وجه غیررسمی فعالیت‌ها تأکید دارد (شیرخانی، ۱۳۹۱).

هنجارها و اخلاقیات: به باورها، برداشت‌ها و اصول رفتاری حاکم در هر جامعه که از منابع متعددی همچون سنت، دین و فرهنگ سرچشمه گرفته، بر کم و کیف روابط حاکم بین اعضای جامعه اثر می‌گذارد، اطلاق می‌شود. با اینکه هنجارها و اخلاقیات ممکن است در ملت‌های مختلف از وجوه گوناگونی برخوردار باشد، می‌توان به گستره مشترک و قابل اجماعی از این هنجارها و اخلاقیات در سطح همه ملت‌ها دست یافت. اندازه احترام به کرامت و شرافت انسانی، جدیت در وفای به عقود و تعهدات، وجدان و صداقت‌مداری، احترام متقابل به حقوق شهروندی، رعایت آرا و نظرهای همدیگر و محترم شمردن آنها و نقدپذیری، در زمره برترین هنجارها و اخلاقیات به‌شمار می‌آید. هنجارها و اخلاقیات قابل شمارش، بسیار گسترده بوده، در عین حال از تنوع شایان توجهی برخوردار است. این منبع از سرمایه اجتماعی از چنان برجستگی‌ای برخوردار است که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، خود به‌مثابه ورودی، بر دیگر منابع یادشده سرمایه اجتماعی اثر می‌گذارد.

ب) رقابت‌پذیری

پیدایش سازمان تجارت جهانی به‌مثابه ابزاری برای یکپارچه ساختن بازارهای جهانی، نفوذ طنین امواج جهانی شدن در دورترین نقاط جهان، نوآوری‌های سریع و بنیادین در حوزه فناوری اطلاعات، تغییرات الگوهای مصرف و تقاضا و عرضه الگوهای نو، چالش‌هایی است که دولت‌ها در عرصه تجارت بین‌الملل با آن مواجه‌اند و حضور قدرتمند در عرصه بین‌الملل، منوط به تصمیم‌گیری درست و بهنگام در برابر این چالش‌هاست. از همین‌رو، حفظ شأن و جایگاه جهانی هر دولت با عنایت به متغیرهای برشمرده و همچنین با در نظر گرفتن گسترش بازارهای مصرف و افزایش عده رقبای و شدت رقابت، نظریه‌پردازان اقتصاد بین‌المللی را به سوی مفهوم‌های جدیدی از رقابت‌پذیری رهنمون ساخته است. از سویی، چنانچه دولت‌ها به تقویت مزیت‌های نسبی و ظرفیت رقابت‌پذیری خود در عرصه تجارت بین‌الملل عنایت نداشته باشند و به‌نحوی مطلوب، سیاست و اقتصاد خود را سامان نبخشند، به‌شکل اجتناب‌ناپذیری زمینه حذف خود و جانشین ساختن رقبای خود را در عرصه بین‌الملل فراهم آورده، مسیر رشد و توسعه

کشور خود را با موانع روبه‌رو می‌کنند. از همین‌روست که هاریسون در کتاب *نظریه و سیاست رقابت‌پذیری بین‌المللی*، رقابت‌پذیری را سوخت موتور رشد و توسعه‌یافتگی هر کشور به‌شمار می‌آورد (Harrison, 1999).

این امر موجب شده است تا بنگاه‌ها، صنایع و کشورهای مختلف در جهت ارتقای رقابت‌پذیری خود، برای شناسایی عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری و تقویت آنها تلاش کنند. بسیاری از پژوهشگران برای توجیه و تفسیر رقابت‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن، نظریه‌ها و الگوهایی را عرضه داشته و عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری را دسته‌بندی کرده و در قالب الگوهایی عرضه کرده‌اند. این نظریه‌ها و الگوها نیز از تنوع به‌نسبت زیادی برخوردار است. در این پژوهش، الگوها و شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۲ که مجمع جهانی اقتصاد منتشر کرده، انتخاب شده است.

۱. مفهوم رقابت‌پذیری

بررسی نظریه‌های صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد که از رقابت‌پذیری تعریف و تعبیر واحدی وجود ندارد. در گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره مفهوم رقابت‌پذیری آمده است که رقابت‌پذیری مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که بر سطح ظرفیت تولید یک کشور اثر می‌گذارد. سطح ظرفیت تولید، سطح پیشرفتگی و رشد هر اقتصاد را نشان می‌دهد (WEF, 2012). هری بلاش در کتاب *معروف خود، خالق یک اقتصاد رقابتی بین‌المللی*، در به‌دست دادن تعریفی از رقابت‌پذیری، مفهومی جامع‌تر و ملموس‌تری عرضه کرده است؛ وی رقابت‌پذیری را قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی می‌داند که هر کسب‌وکار، صنعت، منطقه و کشور دارد و می‌تواند آنها را حفظ کنند تا در عرصه رقابت بین‌المللی، مقدار زیادی بازگشت را در شاخص‌های تولید ایجاد کرده، نیروی انسانی خود را در وضعیت به‌نسبت خوبی قرار دهند (Bloch and kenyon, 2001). براساس این تعریف، رقابت‌پذیری توانایی افزایش سهم بازار، سوددهی، رشد ارزش افزوده و ماندن در صحنه رقابت عادلانه و بین‌المللی برای یک دوره طولانی است. رقابت‌پذیری بر اثر ترکیبی از دارایی‌ها و فرایندها به‌وجود می‌آید؛ دارایی‌ها یا به‌صورت موهبتی است (مانند منابع طبیعی) یا اکتسابی و به‌تعبیری ساخته دست بشر است (مانند زیرساخت‌ها) و فرایندها که دارایی‌ها را به منافع اقتصادی به‌دست‌آمده از فروش به مشتریان تبدیل می‌کند و درنهایت، موجب ایجاد رقابت‌پذیری می‌شود. در بررسی رقابت‌پذیری می‌توان از زاویه دیگری نیز به مسئله نگریست و آن، منابع ایجاد رقابت‌پذیری است. منابع ایجاد رقابت‌پذیری را می‌توان به سه دسته فناوری، سازمان و نیروی انسانی تقسیم کرد. مزیت رقابتی حاصل از نیروی انسانی، دوام و پایداری بیشتری

نسبت به دیگر مزیت‌های رقابتی دارد و مدت‌زمان بیشتری لازم است تا رقبا بتوانند این مزیت‌های رقابتی را تقلید و خلق کنند.

۲. شاخص‌های رقابت‌پذیری

منظور مجمع جهانی اقتصاد از رتبه‌بندی کشورها از حیث رقابت‌پذیری، ارزیابی مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری در اقتصاد کشورهای مختلف و به تبع آن، سطح رفاه اقتصادی مردم هر کشور را به تصویر می‌کشد. مجمع جهانی اقتصادی برای ارزیابی این شاخص‌ها، بیش از یکصدوده متغیر مختلف را در چارچوب دوازده رکن مستقل اندازه‌گیری و مقایسه می‌کند؛ نزدیک به دوسوم متغیرها با نظرسنجی از مدیران بنگاه‌های اقتصادی و یک‌سوم هم با اتکا بر داده‌های آماری رسمی کشورها ارزیابی می‌شود.

در گزارش سالانه مجمع جهانی اقتصاد از محاسبه رقابت‌پذیری اقتصاد کشورها، ارکان دوازده‌گانه رقابت‌پذیری براساس ساختار اقتصادی آنها سنجیده می‌شود. در شکل ۱ این موضوع به خوبی به تصویر کشیده شده است. بر این اساس، در ارزیابی رقابت‌پذیری کشورهایی که دارای نظام اقتصادی مبتنی بر عوامل تولیدند، متغیرهای اثرگذار بر نهادهای اقتصادی، زیرساخت‌ها، ثبات در سیاست‌های کلان اقتصادی و بهداشت و آموزش مقدماتی، جدی‌تر سنجیده می‌شود و در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر کارایی، عوامل مؤثر بر افزایش کارایی نظیر آموزش عالی و حرفه‌ای، کارایی بازار کالا، کارآمدی بازار نیروی کار، پیشرفته بودن بازارهای مالی، آمادگی فناوریانه و اندازه بازار، ژرف‌تر ارزیابی می‌شود. البته هر یک از متغیرهای یادشده شامل متغیرهای دیگری هم می‌شود که در نتیجه محاسبه آنها، شاخص رقابت‌پذیری هر کشوری به دست می‌آید. اقتصاد ایران در گروه کشورهای دارای نظام اقتصادی مبتنی بر کارایی قرار دارد؛ بنابراین عوامل مؤثر بر کارایی که در شکل ۱ دیده می‌شود، جدی‌تر سنجیده شده است.

۳. دوازده شاخص رقابت‌پذیری

عوامل بسیاری در تعیین بهره‌وری و رقابت‌پذیری اقتصاد کشورها مؤثر است؛ شناسایی این عوامل، دهه‌های متمادی ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است و می‌توان نمونه‌های آن را از تأکید آدام اسمیت بر تخصص‌گرایی و تقسیم کار گرفته تا تأکید اقتصاددانان نئوکلاسیک بر سرمایه‌گذاری، در سرمایه‌های فیزیکی و زیرساختی و بعدها گرایش به سازوکارهای دیگر مانند آموزش و پرورش، پیشرفت فناوری، ثبات اقتصاد کلان، حکمرانی شایسته، پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری، کارایی بازارها و غیره مشاهده کرد. تمام این عوامل مهم‌اند و در عین حال

مانعه‌الجمع نیستند؛ به عبارتی دیگر امکان دارد دو یا چند مؤلفه از اینها، همزمان مؤثر واقع شوند. شاخص رقابت‌پذیری جهانی با فراهم کردن میانگینی وزنی برای بسیاری از مؤلفه‌ها که هر یک به ارزیابی جنبه‌ای از رقابت‌پذیری اختصاص دارد، این مفهوم گسترده را قابل بررسی می‌کند. تمام این مؤلفه‌ها را می‌توان در قالب دوازده شاخص مهم دسته‌بندی کرد.

شاخص نخست. نهادها: نهاد یا محیط نهادی عبارت است از چارچوب حقوقی و اجرایی که در آن افراد، بنگاه‌ها و دولت‌ها به‌منظور ایجاد درآمد و ثروت به تعامل می‌پردازند. کیفیت نهادها تأثیر بسزایی بر رقابت‌پذیری و رشد کشورها دارد. افزون بر این، کیفیت نهادها بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و نحوه تولید اثرگذار است و در تدوین شیوه‌های توزیع منافع و تحمل هزینه‌های ناشی از سیاست‌ها و راهکارهای توسعه جوامع، بسیار مؤثر است.

شاخص دوم. زیرساخت‌ها: وجود زیرساخت‌های گسترده و کارآمد، برای عملکرد اقتصادی اثربخش ضروری است و به‌طور مشابه، در تعیین مکان فعالیت‌های اقتصادی، نوع فعالیت‌ها یا بخش‌هایی که در هر اقتصاد امکان رشد دارند، عامل مهمی به‌شمار می‌روند.

شاخص سوم. محیط اقتصاد کلان: ثبات محیط اقتصاد کلان برای فعالیت بنگاه‌ها و دولت‌ها حائز اهمیت است و از این‌رو، در رقابت‌پذیری کلی کشورها مؤثر است. هرچند ثبات اقتصادی کلان به‌تنهایی موجب افزایش بهره‌وری کشورها نمی‌شود، به‌طور قطع، بی‌ثباتی آن به اقتصاد آسیب می‌رساند.

شاخص چهارم. بهداشت و آموزش ابتدایی: وجود نیروی کار سالم برای رقابت‌پذیری و بهره‌وری کشورها حیاتی است. نیروی کار بیمار یا فاقد دانش فنی اولیه، کارایی و بهره‌وری کمتری خواهد داشت. کارکنان بیمار اغلب از محل کار غایب بوده، کارایی کمتری دارند. سالم نبودن نیروی کار، هزینه‌های هنگفتی را در پی دارد. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در بخش تأمین خدمات بهداشتی به‌دلیل ملاحظه‌های اقتصادی و همچنین اخلاقی ضروری است.

شاخص پنجم. آموزش عالی: آموزش عالی با کیفیت برای اقتصادهایی که می‌خواهند زنجیره‌ای ارزشی فراتر از فرایندها و محصولات تولیدی ساده ایجاد کنند، ضروری است. اقتصاد در حال جهانی شدن امروزی، کشورها را وامی‌دارد منابع نیروی کار تحصیل‌کرده‌ای تربیت کنند که به‌سرعت پاسخگوی محیط متغیر و نیازهای برخاسته از نظام تولید آن باشند. آموزش عالی، به سنجش کیفیت آموزش براساس نیاز کسب‌وکارها می‌پردازد.

شاخص ششم. کارایی بازار کالا: کشورهای دارای بازارهای کارآمد به‌دلیل برخورداری از شرایط ویژه در عرضه و تقاضا، از موقعیت مناسبی برای عرضه ترکیب بهینه‌ای از کالاها و خدمات برخوردارند و این امکان برای آنها فراهم است که کالاهای خود را به‌نحو بسیار موثری به بازار عرضه کنند. رقابت سالم در بازار، در پیشبرد کارایی بازار و در نتیجه، افزایش

بهره‌وری حائز اهمیت است و موجب می‌شود کارآمدترین بنگاه‌ها که به تولید کالاهای مورد تقاضای بازار اشتغال دارند، فرصت رشد و شکوفایی بیابند.

شاخص هفتم. کارایی بازار نیروی کار: کارایی و انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار به این امر اشاره دارد که نیروی کار به کارآمدترین شکل در خدمات اقتصاد قرار گرفته باشد و مشوق‌های انگیزشی لازم را برای به‌کارگیری بیشینه توان خود در مشاغل در اختیار داشته باشد. از این‌رو، بازارهای نیروی کار باید دارای انعطاف‌پذیری لازم برای جابه‌جایی سریع و کم‌هزینه نیروی کار از یک فعالیت اقتصادی به فعالیت دیگر باشد و نوسان‌های دستمزد را بدون بروز مشکلات عدیده اجتماعی ممکن سازد.

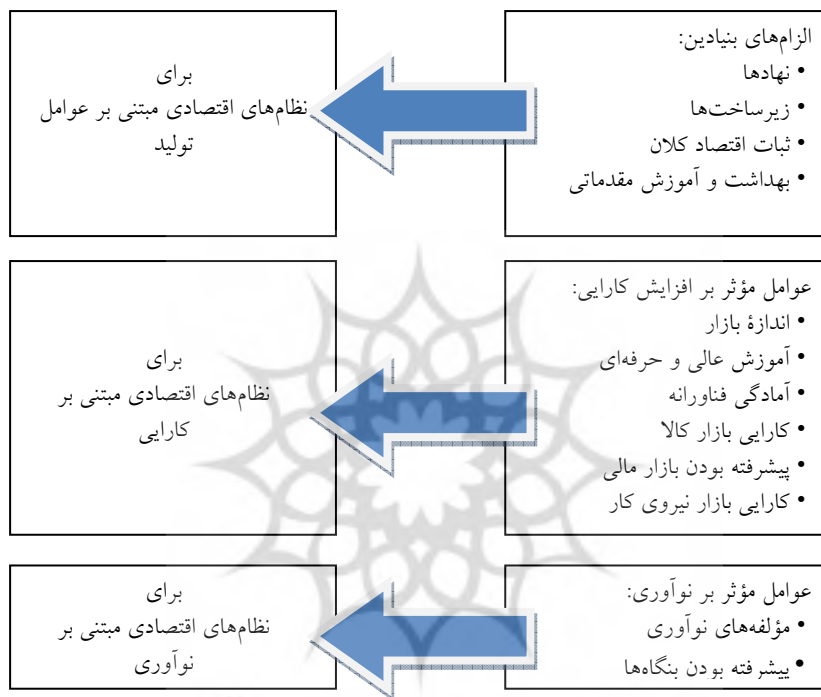
شاخص هشتم. سطح توسعه بازار مالی: اقتصاد هر کشور نیازمند بازارهای مالی توسعه‌یافته‌ای است که از راه منابعی مانند وام‌های به‌دست‌آمده از بخش بانکداری سالم و قوی، بازارهای مدیریت‌شده اوراق بهادار، سرمایه‌های مخاطره‌آمیز و دیگر تسهیلات مالی، سرمایه لازم را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم آورد. بازارهای مالی باید از تنظیمات مناسبی برخوردار باشد که به حمایت از سرمایه‌گذاران اقتصادی بپردازد.

شاخص نهم. آمادگی در حوزه فناوری: در دنیای جهانی‌شده امروز، فناوری بیش‌ازپیش در رقابت و شکوفایی بنگاه‌ها مؤثر است. رکن آمادگی در حوزه فناوری، به محاسبه چابکی اقتصادها در جذب فناوری‌های موجود در جهت افزایش بهره‌وری در صنایع می‌پردازد و از سوی دیگر، بر ظرفیت اقتصادها برای جذب فعالانه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در فرایندهای تولیدی به‌منظور افزایش کارایی و رقابت‌پذیری تأکید دارد.

شاخص دهم. اندازه بازار: از آنجاکه بازارهای بزرگ امکان استفاده از تمام ظرفیت تولیدی هر کشور را برای بنگاه‌ها فراهم می‌آورد، اندازه و گستردگی بازار هر کشور در تعیین بهره‌وری مؤثر است. در گذشته، بازارهای دسترس‌پذیر برای بنگاه‌ها، به مرزهای داخلی محدود می‌شد؛ اما در عصر کنونی، به‌ویژه در کشورهای کوچک، بازارهای بین‌المللی جایگزین بازارهای داخلی شده است. شواهد تجربی بسیاری حاکی از آن است که آزادی تجارت خارجی ارتباط مثبتی با رشد اقتصادی کشورها دارد.

شاخص یازدهم. پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری: پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری به کارایی بیشتر در تولید کالا و خدمات می‌انجامد. پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری به دو مؤلفه اشاره دارد که عبارت‌اند از: کیفیت شبکه‌های کسب‌وکار و کیفیت عملیات هر بنگاه. این مؤلفه‌ها، برای کشورهایی که در سطوح بالای توسعه‌یافتگی قرار دارند و از منابع بنیادین افزایش بهره‌وری به‌طور کامل بهره‌جسته‌اند، اهمیت بیشتری دارد.

شاخص دوازدهم. نوآوری: آخرین شاخص رقابت‌پذیری، به نوآوری در حوزه فناوری اشاره دارد. هرچند بهبود نهادها و ارتقای سرمایه انسانی، همگی منافع مهمی را به همراه دارند، با گذشت زمان و اشباع اقتصاد، از مقدار تأثیرگذاری آنها کاسته می‌شود. این امر درباره کارایی بازار نیروی کار، بازار مالی و بازار کالا نیز صادق است. ارتقای سطح زندگی در بلندمدت، تنها با نوآوری در حوزه فناوری ممکن است (Schwab, 2012).



شکل ۱. ارکان دوازده‌گانه رقابت‌پذیری اقتصاد

مرور سوابق و پیشینه تجربی پژوهش

در مرور سوابق و پیشینه پژوهش درباره سرمایه اجتماعی در داخل کشور می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد. در این پژوهش‌های به نسبت متعدد سرمایه اجتماعی، به برخی از عناصر آن پرداخته شده است؛ از آن جمله، سنجش سرمایه اجتماعی در استان مازندران (شارع‌پور)، سنجش سرمایه اجتماعی در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن (ناطق‌پور و فیروزآبادی)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان (اوجاقلو و زاهدی). دلایل افول سرمایه اجتماعی در ایران و نیز دلایل آن از حیث فرهنگی را دینی‌ترکمانی بررسی کرده است؛ او ریشه این افول را در سازمان درونی ضعیف دولت و رابطه دولت با نیروهای

اجتماعی می‌داند (دینی‌ترکمانی، ۱۳۸۵). از دیگر پژوهش‌ها درباره سرمایه اجتماعی می‌توان به پژوهش عبداللهی و موسوی (۱۳۸۶) اشاره کرد که با توجه به کم بودن مقدار سرمایه اجتماعی، غلبه گونه قدیم بر جدید و تأثیر منفی آن از لحاظ جلوگیری از تحقق انسجام جمعی در سطح ملی، تقویت سرمایه اجتماعی جدید به‌ویژه در بعد روابط انجمنی و پیامدهای مثبت آن از راه بهبود محیط اجتماعی کنشگران فردی و جمعی، تقویت نهادهای مدنی و اصلاح کنش‌های افراد را ضروری دانسته‌اند. در این پژوهش‌ها، تنها سرمایه اجتماعی در بخشی از کشور بررسی شده و در زمینه ارتقای آن توصیه‌هایی شده است. پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارد که تا حدی به سطح ملی وارد شده و آن را با یکی از مفهوم‌های سیاسی یا امنیت ملی بررسی کرده است (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰). همچنین، صیدایی، احمدی و معین‌آبادی (۱۳۸۸) در پژوهشی سرمایه اجتماعی و رابطه آن را با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی بررسی کرده‌اند. شیرخانی نیز در پژوهش‌های خود، سرمایه اجتماعی و رابطه آن با توسعه اقتصادی و امنیت ملی را کاویده است (شیرخانی و واسعی‌زاده، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱؛ شیرخانی، ۱۳۹۱). در یک مورد نیز نویسنده به سطح بین‌المللی وارد شده و سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در دو کشور ایران و کره جنوبی را به مقایسه و بررسی گذاشته است (شیرخانی و واسعی‌زاده، ۱۳۹۰).

در تمام پژوهش‌های یادشده، به‌شکل نظری به سرمایه اجتماعی و رابطه آن با ظرفیت رقابت‌پذیری کشور در سطح بین‌المللی توجه نشده است. اگرچه، موضوع‌های مرتبطی در آنها به‌چشم می‌خورد، تدقیق در این حوزه و مطالعه آن، دریچه نوری در فضای پژوهش‌های سرمایه اجتماعی و رقابت‌پذیری بین‌المللی باز می‌کند و همان‌گونه که توضیح داده شد، این موضوع از مباحث نوری است که نیاز به تحقیق و بررسی آن احساس می‌شود. بنابراین، برای جبران این «کمبود» در پژوهش‌های علمی موجود در این زمینه، داشتن الگویی که با نگاهی نظام‌مند و جامع، تأثیر سرمایه اجتماعی بر رقابت‌پذیری را نشان دهد و رابطه معنادار این دو را تبیین کند، نیاز است.

چارچوب نظری پژوهش

با عنایت به تعداد به‌نسبت زیاد شاخص‌های رقابت‌پذیری و همچنین گستردگی موضوعی این پدیده و به‌منظور تمرکز بر بخش‌های مهم‌تر شاخص‌های رقابت‌پذیری، از بین شاخص‌های دوازده‌گانه یادشده، چهار شاخص اصلی که از دیدگاه نویسندگان از اهمیت پایه‌ای‌تری برخوردارند، انتخاب و بررسی شده‌اند که عبارت‌اند از: نهادها، زیرساخت‌ها، آموزش عالی و نوآوری. از پنج شاخص اصلی و عمده برای سرمایه اجتماعی، تنها در چهار شاخص اعتماد، هنجارها و اخلاقیات، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت مدنی امعان نظر شده است.

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی

بین سرمایه اجتماعی و ارتقای شاخص‌های رقابت‌پذیری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

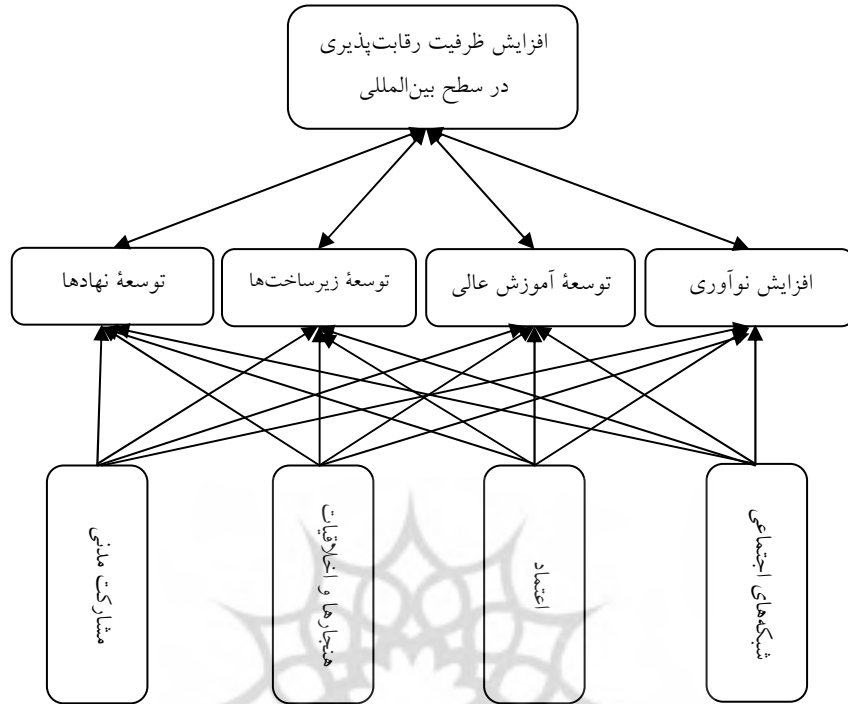
۱. بین شاخص اعتماد و رقابت‌پذیری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
 ۲. بین شاخص هنجارها و اخلاقیات و رقابت‌پذیری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
 ۳. بین شاخص مشارکت مدنی و رقابت‌پذیری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
 ۴. بین شاخص شبکه‌های اجتماعی و رقابت‌پذیری، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- در چارچوب‌بندی پژوهش، حمایت از فرضیه‌های فرعی سبب حمایت از فرضیه اصلی پژوهش شده است. درحقیقت، سعی شده است که فرضیه اصلی پژوهش به چهار فرضیه فرعی و کوچک‌تر شکسته شود تا امکان تحلیل همبستگی بین آنها مستدل‌تر فراهم آید؛ به عبارتی دیگر، فرضیه‌های فرعی پژوهش، فرضیه‌های جایگزین محسوب نمی‌شوند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی است و از حیث ارتباط بین متغیرهای پژوهش سعی شده است که همبستگی بین داده‌ها به‌تصویر کشیده شود. روش پژوهش نیز پیمایشی بوده که از مهم‌ترین مزایای آن قابلیت تعمیم نتایج است. متغیرهای پژوهش عبارت‌اند از: مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به‌مثابه متغیر مستقل و شاخص‌های رقابت‌پذیری بین‌المللی به‌مثابه متغیر وابسته. پرسش اصلی پژوهش آن است که «آیا بین سرمایه اجتماعی و توسعه شاخص‌های رقابت‌پذیری بین‌المللی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد یا خیر؟». گردآوری داده‌ها و مطالعه مبانی نظری، به الگوسازی و سازماندهی مؤلفه‌های پژوهش منجر شده و روش پژوهش، کمی و بر مبنای روش آزمون تی و آزمون فرضیات (با کمک نرم‌افزار SPSS) بوده است.

الگوی مفهومی پژوهش

الگوی مفهومی پژوهش بر مبنای فرضیه‌هایی طراحی شده که در شکل دو نمایش داده شده است.



ابزار گردآوری اطلاعات

به منظور بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و شاخص های رقابت پذیری، یافته های لازم از راه مطالعه میدانی و با بهره گیری از پرسش نامه ای با شانزده پرسش گردآوری شد (گفتنی است پرسش نامه، استاندارد نبود و نویسندگان آن را تدوین کرده، برای روایی آن از نظر خبرگان استفاده کردند). رقابت پذیری بین المللی در قالب چهار و در مقیاس پنج گزینه ای لیکرت سنجیده شد؛ این آزمون دارای شانزده پرسش است. از آنجا که مقیاس استفاده شده در پرسش نامه، مقیاس فاصله ای است، از روش آزمون لیکرت استفاده شد؛ به این صورت که در برابر هر عبارت، یک طیف قرار داده شد که از «بسیار کم» آغاز و به «بسیار زیاد» ختم می شود. از آنجا که میانگین فرضی وجود نداشت، میانگین فرضی سه، برای این پژوهش در نظر گرفته شد.

روایی و پایایی پژوهش

روایی پرسش نامه با استفاده از نظر استادان متخصص در موضوع پژوهش و با کمک روش تحلیل مؤلفه های اصلی تعیین و تأیید شد. برای بررسی روایی پرسش نامه، با سه تن از خبرگان

در این زمینه مصاحبه شد که صحت و روایی پرسش‌نامه را تأیید کردند. همچنین، برای سنجش پایایی از روش پیش‌آزمون استفاده شد؛ به این ترتیب که پرسش‌نامه ابتدا میان سه تن توزیع شد، پس از یک هفته همان پرسش‌نامه دوباره میان افراد توزیع شد که همبستگی زیادی در پاسخ‌ها پیدا شد (۸۷ درصد). آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده نیز در توزیع نهایی با ۵۵ پرسش‌نامه، ۷۷ درصد بود که نشان‌دهنده پایایی زیاد، کافی و بسیار خوب پرسش‌نامه است.

تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش، در سه مرحله بیان می‌شود:

مرحله نخست: فرض صفر و فرض مقابل به‌صورت آماری زیر نوشته می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 & \text{شاخص مورد نظر، تأثیر معناداری ندارد.} \\ H_1: \mu > 3 & \text{شاخص مورد نظر، تأثیر معناداری دارد.} \end{cases}$$

مرحله دوم: شامل عملیات آماری برای محاسبه آزمون و توزیع آماری آن است که در

جدول ۱ محاسبه شده است

جدول ۱. توزیع آماری فرضیه‌ها

سطح- معناداری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف- معیار	میانگین	تعداد	فرضیه‌های الگو/ مسیر
۰/۰۰۰	۴۸	۳۷/۳۲	۰/۴۴	۴/۷۴	۴۹	ف ۱ (م: اعتماد- نهاده‌ها)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۶/۰۰	۰/۴۶	۴/۷۵	۴۹	ف ۱ (م: اعتماد- زیرساخت‌ها)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۰/۶۱	۰/۵۱	۴/۶۴	۴۹	ف ۱ (م: اعتماد- آموزش عالی)
۰/۰۰۰	۴۸	۲۵/۷۱	۰/۵۹	۴/۶۲	۴۹	ف ۱ (م: اعتماد- نوآوری)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۰/۵۳	۰/۵۲	۴/۶۷	۴۹	ف ۲ (م: هنجارها- نهاده‌ها)
۰/۰۰۰	۴۸	۲۵/۷۱	۰/۵۹	۴/۶۲	۴۹	ف ۲ (م: هنجارها- زیرساخت‌ها)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۷/۳۲	۰/۴۴	۴/۷۴	۴۹	ف ۲ (م: هنجارها- آموزش عالی)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۶/۰۰	۰/۴۶	۴/۷۵	۴۹	ف ۲ (م: هنجارها- نوآوری)

۰/۰۰۰	۴۸	۳۰/۶۱	۰/۵۱	۴/۶۴	۴۹	فف ۳ (م: مشارکت مدنی - نهادها)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۰/۵۳	۰/۵۲	۴/۶۷	۴۹	فف ۳ (م: مشارکت مدنی - زیرساخت‌ها)
۰/۰۰۰	۴۸	۲۵/۷۱	۰/۵۹	۴/۶۲	۴۹	فف ۳ (م: مشارکت مدنی - آموزش عالی)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۷/۳۲	۰/۴۴	۴/۷۴	۴۹	فف ۳ (م: مشارکت مدنی - نوآوری)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۶/۰۰	۰/۴۶	۴/۷۵	۴۹	فف ۴ (م: شبکه اجتماعی - نهادها)
۰/۰۰۰	۴۸	۲۵/۷۱	۰/۵۹	۴/۶۲	۴۹	فف ۴ (م: شبکه اجتماعی - زیرساخت‌ها)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۰/۵۳	۰/۵۲	۴/۶۷	۴۹	فف ۴ (م: شبکه اجتماعی - آموزش عالی)
۰/۰۰۰	۴۸	۳۰/۶۱	۰/۵۱	۴/۶۴	۴۹	فف ۴ (م: شبکه اجتماعی - نوآوری)

(حروف اختصاری جدول: فف: فرضیه فرعی؛ م: مسیر)

مرحله سوم: مقدار آماره آزمون برای تمام موارد، در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد؛ بنابراین از نظر نمونه آماری، تمام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر شاخص‌های رقابت‌پذیری بین‌المللی، تأثیر معناداری دارند و به عبارتی، نتایج آماری بیان‌کننده این موضوع است که تمام فرضیه‌های الگو تأیید شده است و بین سرمایه اجتماعی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتیجه

رقابت‌پذیری قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که در سطح خرد، کارگاهی در صنعت و در سطح کلان، کشور یا منطقه‌ای از آنها برخوردار می‌شود و می‌توان با ارتقای مداوم آنها در عرصه رقابت‌های بین‌المللی، در عرصه‌های مختلف حضور یافت و مقدار بازگشت زیادی را در شاخص‌های تولیدی ایجاد کرد و نیروی انسانی خود را در وضعیت به نسبت خوبی قرار داد. ارکان دوازده‌گانه رقابت‌پذیری، شاخص در نظر گرفته شد و تأثیر سرمایه اجتماعی بر مبنای این شاخص‌ها بر ظرفیت رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی سنجیده شد. براساس نتایج این پژوهش، رابطه معناداری بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و شاخص‌های منتخب از رقابت‌پذیری وجود دارد که تأییدکننده فرضیه اصلی این پژوهش است.

حسب نتایج پژوهش، اعتماد به‌مثابه اصلی‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، بر شکل‌گیری ساختارهای کشور و همچنین، مشارکت در فرایندهای مدنی و سیاسی کشور تأثیر بسزایی دارد. تانزلمن (۲۰۰۳) به‌خوبی به جایگاه اعتماد و شبکه‌های اجتماعی در ظرفیت کشورها اشاره کرده و نتیجه گرفته است فقدان اعتماد، به شکست شبکه اقتصادی در درون هر کشور منجر می‌شود. وی پس از آزمون نظام‌های شبکه‌ای بیان کرده است که افول رونق اقتصادی در داخل و در سطح بین‌الملل در کشورهای در حال توسعه، به‌علت شکست بازار یا شکست دولت نیست؛ بلکه به‌دلیل شکست شبکه‌های اجتماعی و فقدان اعتماد لازم در درون این شبکه‌هاست. افزایش این شکست‌ها به‌علت نبود شبکه‌های لازم یا به‌دلیل همکاری ضعیف بین شبکه‌هاست. به‌علت شکست شبکه‌ها، تعامل برای تحقق نوآوری، یادگیری و انباشت دانش به‌نحو صحیحی انجام نمی‌گیرد و این فرایند، اعتماد به کارایی نظام و سیاست‌ها را از بین می‌برد.

به‌دست دادن نمونه‌ای از تأثیر سرمایه اجتماعی بر رقابت‌پذیری و تأثیر آن، در تبیین بهتر این موضوع کمک می‌کند. روشن و مبرهن است که وجود نهادهای آموزش عالی، به‌شکل ملموسی بر بهبود و ارتقای کیفی، کمی و مدیریت دانش و فناوری لازم برای تولیدات هر کشور که ازجمله شاخص‌های رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی است، تأثیر مستقیم دارد. همان‌گونه که در یافته‌های این پژوهش تأیید شد، در این شاخص نیز اعتماد، ورود و تأثیر مستقیم دارد. چنانچه دانش‌آموختگان و دانشمندان علمی در رشته‌های مختلف آموزشی از مقدار کافی اعتماد به نهادها و زیرساخت‌های آموزشی کشور برخوردار باشند و این اعتماد در سطوح مختلف جامعه و اجتماع شکل گرفته باشد، شاهد خروج آنها از کشور و مواجهه با پدیده‌ای به‌نام «فرار مغزها» نخواهیم بود. بنابراین، چنانچه اعتماد نخبگان کشور نسبت به سرنوشت حرفه‌ای خود، به‌کارگیری آنها در جایگاه‌ها و رعایت شأن آنها، به‌شکل دقیقی تضمین شود، مشارکت اجتماعی آنها در این نهادها افزایش خواهد یافت و بنیه علمی کشور برای ارتقای ظرفیت رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی فزونی خواهد گرفت. افزون بر آن، نبود زیرساخت‌های علمی عالی، با پدیده‌های دیگری ازجمله اقتصاد ناکارآمد، نابرابری اقتصادی و اجتماعی، تعارضات فرهنگی، فروپاشی نظام مفاهمه و گفت‌وگو بین نخبگان سیاسی و اقتصادی و به‌تبع آن، اختلال در هنجارهای اجتماعی و بی‌تفاوتی نسبت به قانون و سرنوشت خود، ممزوج خواهد شد و در نتیجه، افت سرمایه اجتماعی را در پی خواهد داشت. تمرکز بر هریک از موضوع‌های یادشده را می‌توان در پژوهش‌های آتی در زمینه سرمایه اجتماعی مد نظر قرار داد و به آنها توجه کرد. در جهت تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمام شاخص‌های

رقابت پذیری در سطح بین المللی می توان شاهد مثال های فراوانی را بیان کرد و توضیح داد که از حوصله این مجال و نوشتار کوتاه خارج است.

بنابراین، دستیابی به توسعه و پیشرفت که به حضور پررنگ و قدرتمند در سطح بین المللی و افزایش ظرفیت رقابت پذیری منجر می شود، مستلزم به کارگیری و بهره برداری بهینه از انواع سرمایه است. سرمایه های طبیعی، مالی و اقتصادی، انسانی و «اجتماعی» گونه های مختلفی از سرمایه است که از منابع رشد و توسعه ملی در جامعه محسوب می شود. با مطالعه علمی و شناخت دقیق سرمایه اجتماعی در ارکان مختلف هر نظام سیاسی و اقتصادی می توان از این مفهوم در ارتقای توسعه اقتصادی و ایجاد زمینه های ضروری برای ورود به عرصه های بین المللی، به مثابه متغیری پیش بینی شونده بهره برداری کرد.

در پایان، شایان ذکر است که حوزه پژوهش درباره سرمایه اجتماعی، بسیار گسترده است؛ این مفهوم و تأثیر بسزای آن در رشد همه جانبه کشور، ایجاب می کند که از زاویه های مختلفی بررسی شود. برخی پرسش های بنیادینی که می توان برای پژوهش های آتی به آنها توجه کرد، عبارتند از: مقام های سیاستگذار و تحلیلگران تا چه اندازه از سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی ها استفاده می کنند؟ روش های بومی سازی سنجش و افزایش سرمایه اجتماعی در کشور کدام است؟ چه عواملی موجب تخریب و تنزل سرمایه اجتماعی در هر کشور می شود؟ چگونه می توان منابع سرمایه اجتماعی را در کشور تقویت کرد و توسعه بخشید؟

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵). «تبیین افول سرمایه اجتماعی». فصلنامه رفاه اجتماعی. س ۶، ش ۲۳: ۱۷۱-۱۴۷.
۲. شایخ پور، محمود (۱۳۸۵). مفهوم سازی، سنجش و دلالت های سیاست گذاری. ساری: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران.
۳. شیرخانی، محمدعلی (۱۳۷۵). «اقتصاد سیاسی کنترل خود به خودی جمعیت: رهیافتی نو». فصلنامه سیاست. ش ۳۵: ۲۱۹-۱۹۷.
۴. _____ (۱۳۸۱). «یکپارچه شدن جهانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه». فصلنامه سیاست. ش ۵۷: ۱۷۷-۱۵۳.
۵. _____ (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی و امنیت ملی». گزارش نهایی طرح با دانشگاه تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. _____ (۱۳۹۲). «توانایی فردی و سرمایه اجتماعی». گزارش نهایی طرح با دانشگاه تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. شیرخانی، محمدعلی و واسعی زاده، نسیم سادات (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: بررسی مقایسه ای ایران و کره جنوبی». فصلنامه سیاست. دوره ۴۱، ش ۲: ۲۳۲-۲۱۳.
۸. _____ (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی». فصلنامه سیاست. دوره ۴۲، ش ۲:

۹. صیدایی، سیداسکندر؛ احمدی شاپورآبادی، محمدعلی و معین‌آبادی، حسین (۱۳۸۸). دیباچه‌ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۰. عباس‌زاده، هادی و کرمی، کامران (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار». فصلنامه مطالعات راهبردی. س ۱۴. ش ۵۱: ۵۸-۳۱.

(ب) خارجی

11. Bloch, Harry and Kenyon, Peter (2001). *Creating an Internationally Competitive Economy*. USA: Palgrave Publishers.
12. Coleman, J.S (1990). *Foundation of Social Theory*. Cambridge, MA: Harvard University Press. Belknap Press.
13. Foxtton, Frederic and Jones, Richard (2011). *Social Capital Indicators Review*. UK, London: Office for National Statistics. the National Achieves. Kew. TW9 4DU.
14. Frombold, Eisebith M. (2003). "Innovative milieu and social capital- exploring conceptual complementarities". Dortmund, Germany: Conference report for the 42nd congress of the European Regional Science Association (ERSA).
15. Fukuyama, Francis (2002). "Social Capital and Development: The Coming Agenda". USA: SAIS Review. Vol. XXII. No. 1.
16. Hanifan, L.J. (1916). "The rural school community center". *Annals of the American Academy of Political and Social Science*. Silver Burdett publications.
17. Harrison, Fidelis Ezeala (1999). *Theory and policy of international competitiveness*. USA: Praeger Publishers.
18. Newton, Kenneth (2002). "Social Trust and Political Disaffection Social Capital and Democracy". EURSCO Conference on Social capital. Exeter.
19. Organization for Economic Co-Operation and Development, OECD (2001). *The Well being of Nations: the Role of Human and Social Capital*. France: OECD Publication.
20. Putnam, Robert D. (1995). "Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community". *the journal of Democracy*. New York.
21. Schwab, Klaus (2012). *The Global Competitiveness Report 2012-2013*. Geneva: World Economic Forum. Insight Report.
22. Tunzelmann, van, G. N. (2003). "Network alignment and innovation in transition economies". Paper presented at the conference: Innovation in Europe: dynamics, institutions and values. Roskilde University. May 8-9. 2003.